

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۶ اپریل ۲۰۱۷

مسیر آزادی و دموکراسی مردم سوریه از "کاخ سفید" و "کرملین" نمی‌گذرد!

حملهٔ راکتی امریکا به یکی از پایگاه‌های نظامی سوریه که با ادعای پاسخ به حملهٔ کیمیائی رژیم بشار اسد به مردم ادلب انجام شد، خشم و نگرانی تمامی مردم آزادیخواه و صلح طلب جهان را نسبت به سیر وقایع جاری در منطقه و چشم انداز گسترش جنگ ارتجاعی کنونی در سوریه، برانگیخت. در عین حال این حمله سایهٔ فضای نا امنی و وحشت را هر چه بیشتر بر زندگی پر رنج و محنت توده‌های تحت ستم سوری مستولی ساخته. چرا که آن‌ها می‌بینند که قدرت‌های اصلی صحنه گردان این جنگ ارتجاعی در سوریه یعنی امریکا و روسیه در حال تداوم سیاست‌های ضد مردمی خویش بوده و به دنبال این حمله مشغول تهدید و شاخه‌شانه کشیدن‌های بیشتر برای حفظ مواضع و موقعیت خود در جریان رقابت‌های جهان خوارانه‌شان در سوریه هستند.

روند بحران سوریه با حملهٔ اخیر امریکا و واکنش‌های بعد از آن به نقطه‌ای رسیده که برخی از کارشناسان قدرت‌های امپریالیستی و رسانه‌های بین‌المللی از رویداد‌های اخیر به مثابهٔ نشانه‌های تشدید بحران روابط بین این قدرت‌های امپریالیستی و گام دیگری در گذار از حالت "جنگ سرد" به "جنگ گرم" و حتی احتمال وقوع یک "جنگ هسته‌ئی" نام می‌برند. در نتیجه، بحران کنونی، همهٔ قدرت‌ها و احزاب سیاسی را به طور طبیعی به تحلیل اوضاع و موضع‌گیری در بارهٔ این حمله و چشم‌اندازهای محتمل واداشته است. در ایران نیز به ویژه با توجه به نقشی که جمهوری اسلامی در آتش افروزی در جنگ سوریه ایفا کرده و روابط تنگاتنگش با رژیم ضد خلقی سوریه، نیروهای مخالف جمهوری اسلامی در رابطه با حملهٔ اخیر امریکا به سوریه به موضع‌گیری پرداخته‌اند. در چنین بستری با بررسی مواضع این نیروها می‌توان به این حقیقت دست یافت که این نیروها کجا ایستاده‌اند و چه پرچمی را برافراشته‌اند و در کشاکش‌های حاد کنونی به رغم تمامی ادعاهای‌شان با این تحلیل‌ها و مواضع به طور مشخص از منافع کدام طبقه دفاع می‌کنند.

بحران سوریه و وقایعی که در پی حملهٔ نظامی اخیر امریکا به این کشور اتفاق افتاد، به فرصت دیگری تبدیل شده تا برخی نیروهای پرو امپریالیست در صفوف مخالفان جمهوری اسلامی، با خوشحالی و شعف، از حملهٔ نظامی تجاوزکارانهٔ امریکا و تشدید دخالت‌های ضد انقلابی این قدرت جهانی در منطقه به طور مستقیم و یا پوشیده دفاع نمایند و از آن بدتر خواهان کاربرد همین تکتیک یعنی دخالت مستقیم نظامی و حمله به ایران برای "خلع‌ید" از رژیم

جنایتکار جمهوری اسلامی شوند. از طرف دیگر می بینیم که طیف دیگری از نیروهای سیاسی، باز هم در صفوف مخالفان جمهوری اسلامی با تلاش برای استتار ماهیت ضد خلقی و جنایتکار رژیم بشار اسد و قدرت های حامی وی، حمله تجاوز کارانه امریکا را، حمله به حکومتی که نماینده مردمش می باشد، جا زده و می کوشند تا با لاپوشانی واقعیت، چهره سیاه رژیم بشار اسد به مثابه دشمن قسم خورده خلق های سوریه و منطقه، از قاتل خلق های سوریه تصویر یک رژیم "مستقل" و "ملی" و مدافع منافع توده های تحت ستم سوری ارائه دهند و به این ترتیب خاک به چشم توده ها بپاشند.

بدیهی ست که هیچ یک از این مواضع، نه منطبق با واقعیت بوده و نه منعکس کننده خواست ها و منافع توده های تحت ستم سوری هستند که هیچ حقانیتی برای طرفین تبهکار این جنگ فاجعه بار قایل نمی باشند. مردم سوریه خواستار قطع فوری جنگ امپریالیستی جاری که تنها مبین منافع جنگ سالاران بین المللی ست، می باشند. مردم سوریه خواستار جلوگیری از بمباران خانه و کاشانه شان و کشتار و تخریب کامل زیر ساخت ها و منابع انسانی و طبیعی سوریه و پاره پاره شدن این کشور در چنگال رقابت های امپریالیستی هستند. آن ها خواهان پایان بخشیدن به هر گونه دخالت مستقیم و غیر مستقیم همه قدرت های جهانخواار امپریالیستی و نوکرانی چون جمهوری اسلامی در حیات مردم سوریه هستند. و بالاخره توده های رنج دیده سوری خواهان خلع ید از رژیم تبهکار اسد و همچنین نابودی تمامی دار و دسته های اسلامی مزدور و پنتاگون ساخته ای هستند که زیر نام "اپوزیسیون" و "نیروهای دموکراتیک سوریه" به طور روزمره در حال ارتکاب به وحشیانه ترین جنایات علیه مردم این کشور و کودکان سوری می باشند. هرگونه تلاش برای حمایت، مشروعیت بخشیدن و توجیه دخالت ها و جنایات هر یک از طرفین این جنگ ارتجاعی از طرف هر نیرو و با هر توجیهی، معنایی جز پشت پای زدن به خواست ها و منافع توده های تحت ستم سوری و خیانت به آنان نداشته و نخواهد داشت.

در طول سال های اخیر برخی از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و در رأس آن ها سلطنت طلبان و نیروهای وابسته به سازمان مجاهدین برای دخالت های تجاوزکارانه ارتش امریکا و مزدورانش در سوریه کف زده و از امپریالیسم جنایت پیشه امریکا می خواهند تا با ساقط ساختن رژیم اسد، دیکتاتوری حاکم بر ایران یعنی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را نیز سرنگون کند تا به زعم ایشان مردم ما نیز به برکت قدرت نظامی امریکا به آزادی و دموکراسی دست یابند.

سلطنت طلبان حامی رضا پهلوی سال هاست برای فرا رسیدن "نوبت" سرنگونی جمهوری اسلامی به دست امریکا (البته پس از سوریه) لحظه شماری می کنند. اطلاعیه شورای ملی مقاومت مجاهدین در مورد حمله راکتی امریکا به سوریه نیز نمونه آشکاری از تلاش این نیروها برای دخیل بستن به ارابه جنگی امریکا می باشد.

در اطلاعیه شورای ملی مقاومت راجع به حمله راکتی امریکا به سوریه، صادر کنندگان بیانیه با فریب کاری تمام و گرفتن ژست نگرانی در مورد "جنایت های جنگی و جنایت علیه بشریت" در سوریه برای "پایان دادن" به "فاجعه تاریخی سوریه" به گونه ای آشکار و رسوا از امریکا یعنی سردهسته جلادان بین المللی خلق های تحت ستم همه جهان می خواهند تا رژیم اسد و بعد هم جمهوری اسلامی را سرنگون سازد. در این اطلاعیه در تأیید حمله نظامی امریکا به سوریه آمده است: "این در راستای پایان دادن به فاجعه تاریخی سوریه است که بایستی با بیرون انداختن فاشیسم دینی حاکم بر ایران و پاسداران و مزدورانش از سوریه و عراق و یمن تکمیل شود. خلع ید از پدر خوانده و حامی اصلی تروریسم در جهان امروز، لازمه صلح و آرامش و رخت بر بستن بنیادگرایی و تروریسم در منطقه و جهان است". -
ویراستاری نشده است- پورتال

شورای ملی مقاومت مجاهدین در شرایطی از راکت پراکنی جنگ سالاران حاکم بر دولت نئو فاشیست و نژاد پرست امریکا به سوریه حمایت می کند و از سردهسته راهزنان و جنایت کاران بین المللی می خواهند که فاشیسم دینی حاکم بر ایران و پدر خوانده و حامی تروریسم در جهان امروز را اخراج و یا خلع ید نموده و سرنگون سازند، که نتیجه دخالت ها و تجاوزات امپریالیستی امریکا و متحدینش در سایر کشورها در جلوی چشم مردم دنیا قرار دارد. نگاه کوچکی به تمامی تجارب موجود در همسایگی کشور ما و در تمام منطقه نشان می دهد که هر جا که ماشین جنگی امپریالیسم امریکا آن را مورد "هدف" قرار داده، از افغانستان و عراق گرفته تا یمن و سومالی و لیبیا، نتیجه این دخالت نظامی مستقیم نه "خلع ید" از دیکتاتوری و آوردن آزادی و دموکراسی به این کشورها بلکه نابودی شیرازه این جوامع و به سلطه کشیدن هر چه وحشیانه تر خلق های تحت ستم و قبضه کردن هر چه گسترده تر منابع و ثروت های آنان بوده است. هیچ ذهن کوریبی هم نمی تواند در جریان این دخالت ها ابعاد توصیف ناپذیر "فجایع" انسانی و "جنایت" های ارتش امریکا "علیه بشریت" در این کشورها را ندیده و انکار و یا فراموش کند.

از سوی دیگر افکار آزادی خواه دنیا اکنون بیش از هر زمان دیگر در تجربه چندین سال اخیر می بینند که بنیاد گرائی اسلامی که یکی از سمبل های کثیف آن، رژیم داعشی جمهوری اسلامی ست، خود زائیده سیاست های امپریالیسم و ابزاری برای گسترش سلطه امپریالیسم امریکا در منطقه و در رقابت های استثمارگرانه اش با سایر قدرت های امپریالیستی ست. بند ناف این گروه ها با سیاست های جنگ طلبانه امریکا برای توجیه افزایش حضور نظامی اش در تمام دنیا گره خورده و عروج بنیاد گرائی اسلامی از اخوان المسلمین گرفته تا مجاهدین افغان، طالبان، القاعده، بوکوحرام، النصره و داعش و ... محصول سیاست های ضد انقلابی و جنگ طلبانه امریکا و متحدینش می باشد. امروز تمامی شواهد به طور روزافزونی نشان دهنده ارتباط روشن بین دار و دسته های جنایتکار اسلامی در سوریه و عراق با پنتاگون و سیا بوده و با برخورداری از چنین حمایتی ست که این گروه ها به طور سیستماتیک توسط رژیم های خادم امپریالیسم امریکا در منطقه یعنی قطر و عربستان و ... تجهیز و تقویت و تسلیح می شوند. رسوائی این وضع تا جایی ست که حتا برخی از خود مقامات امریکائی نیز نه تنها نقش دولت امریکا در به وجود آمدن و رشد داعش و چنین گروه هائی را انکار نمی کنند، بلکه بارها به آن معترف شده اند؛ و از آن مهتر این نکته را پنهان نمی سازند که بنیاد گرائی اسلامی و داعش "منافع" امریکا در منطقه را تأمین می کنند. واقعیات ثابت کرده اند که دار و دسته های مزدور موسوم به اپوزیسیون دموکراتیک سوریه از "ارتش آزاد" سوریه گرفته تا داعش و "جبهه النصره" بدون حمایت امریکا و متحدانش حتا یک روز هم نمی توانند به بقاء و جنایات خویش علیه مردم سوریه ادامه دهند. وجود آن ها و تداوم جنایات شان در سوریه و فجایعی که به وجود می آورند، نیاز حیاتی امپریالیسم امریکا در شرایط کنونی ست.

حال شورای ملی مقاومت مجاهدین با پایمال کردن و وارونه نشان دادن این حقایق روشن، خواهان آن است که دولت امریکا یعنی یکی از مسببان اصلی تمامی جنایات و فجایع جاری در سوریه، دولتی که افسار دار و دسته های مزدور اسلامی را در دست دارد، دولتی که با استفاده از همین جنایت کاران، خاک سوریه و حیات خلق های تحت ستم این کشور را به توبره کشیده، رژیم اسد را سرنگون و برای سوریه آزادی به ارمغان بیاورد و همان تجربه یعنی ویرانی جامعه سوریه را با دخالت مستقیم نظامی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی تکمیل سازد. پر واضح است که این خواست، فاقد کمترین عنصر آزادیخواهانه و مشروع می باشد و تنها پژواک مستقیم تهدیدات و عربده کشی های جنگی جنایتکار ترین بخش های هیأت حاکمه امریکا و در راستای خطوط مورد نظر آن هاست.

از سوی دیگر تجربه ۳۸ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و روابط پنهانی این رژیم با امپریالیست ها نشان داده که اتفاقاً امریکا یکی از بزرگترین حامیان "پدر خوانده" تروریسم در ایران و منطقه می باشد. جمهوری اسلامی خود یک

رژیم وابسته به امپریالیسم و برآورنده منافع امپریالیست ها در منطقه بوده است. آتش افروزی این رژیم در افغانستان و عراق و یمن و سوریه اساساً در انطباق با منافع امپریالیسم امریکا در خاور میانه و سیاست هائی است که از ادامه جنگ و تنش سودهای نجومی می برند و می کوشند تا اقتصاد بحران زده سرمایه داری را با اکتاء به جنگ سر و سامان بخشند. در نتیجه بر بستر بحران عمیقی که نظام سرمایه داری جهانی را در بر گرفته است اگر حتی زمانی هم سیاست های ستراتیژیک امپریالیسم امریکا، مطابق با آرزوهای نیروهای پرو امپریالیست لشکر کشی به ایران برای حضور مستقیم نظامی و "خلع ید" از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را ایجاب کند، چنین دخالتی به هیچ رو متضمن به وجود آمدن آزادی و دموکراسی برای مردم ایران نبوده بلکه شرایط فاجعه باری نظیر افغانستان و عراق و یمن و لیبیا و سوریه را در ایران به وجود خواهد آورد و تنها زنجیرهای اسارت را بر پای مردم ستمدیده ما محکم تر می سازد.

در نتیجه، مواضع شورای ملی مقاومت مجاهدین در رابطه با سوریه و دعوت این نیرو از امپریالیست ها برای "خلع ید" از جمهوری اسلامی، یکبار دیگر چهره واقعی این نیرو را در رکاب ماشین جنگی امریکا افشاء کرده و ماهیت "آزادی" و "دموکراسی" مناسبات و سیستمی که مجاهدین و نیروهای نظیر آن با اکتاء به ارتش جنایت کار امریکا خواهان جایگزینی آن با مناسبات ضد خلقی کنونی هستند، را به همگان نشان می دهد.

حمله اخیر امریکا به سوریه، تحرکات طیف دیگری از نیروهای پرو امپریالیست اپوزیسیون - که بسیاری شان سوابق توده ای اکثریتی دارند - را نیز به ویژه در شبکه های اجتماعی فزونی بخشیده است. این طیف نیز مانند مجاهدین با توجیهاتی فریب کارانه به طرفداری از یک طرف جنگ ضد خلقی کنونی برخاسته اند و در کشاکش رقابت های راهزنانه امپریالیستی در سوریه، از موضع دولت اسد و روسیه دفاع می کنند. آن ها به پیروی از بیانیه های رسمی دولت روسیه، حمله تجاوز کارانه امریکا را "مخالف قوانین بین الملل" و "سازمان ملل" خوانده و آن را محکوم می کنند. در حالی که در همان حال دخالت های توسعه طلبانه و تبهکارانه دولت روسیه در سوریه را توجیه کرده و با خاک پاشیدن به چشم مردم رنج دیده سوریه، رژیم جنایتکار اسد را رژیمی مستقل و مردمی جا می زنند و از مردم ستمدیده نیز می خواهند که در منازعات جاری از ارتش "ملی" سوریه دفاع کنند.

حمایت نیروهای پرو امپریالیست طرفدار روسیه از رژیم اسد و اربابان بین المللی اش در شرایطی صورت می گیرد که دستان رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم بر سوریه تا مرفق به خون توده های تحت ستم این کشور آلوده می باشد. مردم رنج دیده سوریه هنوز جنایات سیستماتیک حکومت و ارتش سوریه علیه خلق های تحت ستم این کشور در زمان حافظ اسد را فراموش نکرده اند که تنها در یک مورد آن، با گسیل ارتش "ملی" و در واقع امپریالیست ساخته سوریه به شهر "حمه" جهت سرکوب توده های به پا خاسته این شهر در سال ۱۹۸۲، تنها در طول ۲۷ روز آن را کاملاً ویران کرد و با کشتار ده ها هزار تن از زنان و کودکان و مردان این شهر، چنان حمام خونی در آن جا به راه انداخت که لکه ننگ آن تا ابد بر پیشانی رژیم سوریه و حامیانش باقی خواهد ماند. همین ارتش به اصطلاح ملی سوریه بود که بار دیگر در سال ۲۰۱۱ به فرمان بشار اسد جنایت کار برای سرکوب جنبش انقلابی توده هائی که خواست های انقلابی خود مبنی بر رفاه و آزادی و دموکراسی را فریاد می زدند، گسیل شد و با کشتاری که به راه انداخت جنبش مردم برای آزادی و دموکراسی را به خون کشید. این ارتش نه ملی و مردمی، بلکه ارتشی ضد خلقی و استعماری ست که وظیفه ای جز حفظ نظام سرمایه داری و دیکتاتوری حاکم بر سوریه ندارد. جالب است که اکثر دار و دسته های مزدور اسلامی مورد حمایت امپریالیسم امریکا از دل همین ارتش فرا روئیدند و تغذیه و تسلیح شدند.

تمامی جنایات رژیم وابسته سوریه و این ارتش جنایتکار چه در زمان حافظ اسد و چه در زمان بشار اسد در زیر چشم دولت روسیه صورت گرفته که در چند دهه اخیر به خاطر منافع ستراتیژیک خویش در رقابت با سایر امپریالیست ها و حفظ و توسعه حضور نظامی مستقیم خود در سوریه ، از اعطای هیچ کمک اقتصادی و نظامی و سیاسی به دشمنان قسم خورده مردم سوریه خودداری نکرده است.

به دلایل فوق است که مردم ستمدیده سوریه کوچکترین منافعی در تداوم جنگ نیابتی که بین قدرت های امپریالیستی یعنی امریکا و روسیه در جریان می باشد و با نابودی خانه و کاشانه و حیات آن ها توسط دو طرف، سوریه را به یکی از گره گاه های تضادهای امپریالیستی بدل کرده، ندارند.

واقعیت این است که از یک جنبه، جنگ سوریه افشاگر سیاست های پرو امپریالیستی ست. پرو امپریالیست های وطنی ما به رغم تفاوت های ظاهری خویش در حمایت از یک طرف جنگ ارتجاعی سوریه، در یک امر اساسی مشترکند. آن ها هر ادعائی هم که دارند در عمل نشان می دهند که به هیچ رو خواهان آزادی و دموکراسی و استقلال و حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم سوریه و منطقه نیستند. به عکس، این نیروها می کوشند تا سرنوشت خلق سوریه را بنا به وسع و قدرت تبلیغات فریب کارانه خویش به اراده و منافع یکی از امپریالیست ها گره بزنند و توده ها و انرژی مبارزاتی شان را به زائیده ماشین جنگی قدرت های بزرگ و تبهکار بین المللی تبدیل سازند.

راه آزادی و رهائی خلق های سوریه نه از کانال اتکاء به ماشین جنگی امریکا و دار و دسته های اپوزیسیون پنتاگون ساخته سوریه می گذرد و نه از کانال حمایت از رژیم وابسته و جنایتکار اسد و حامیان بین المللی اش. به عبارت دیگر، مسیر آزادی خلق های سوریه از کاخ سفید واشنگتن و یا کرملین مسکو نمی گذرد.

تنها با مبارزه در زیر پرچمی که بر آن نوشته شده باشد "دستان کثیف همه امپریالیست ها از زندگی خلق های تحت ستم سوریه کوتاه باد"، "زنده باد انقلاب رهائیبخش مردم سوریه علیه امپریالیست ها و مزدوران رنگارنگشان" ، "سرنگون باد رژیم جنایتکار و وابسته اسد به دستان توانای مردم سوریه" و "نابود باد بنیاد گرائی اسلامی ابزار گسترش سلطه امپریالیسم"، می توان امید بازگشت صلح و آزادی و دموکراسی به سوریه و منطقه را داشت. این درسی ست که هر نیروی واقعاً مدعی آزادی و دموکراسی برای مردم ایران باید از تجربه جنگ سوریه کسب کند.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۱۴ ، فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۶